

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال دهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۷

صفحات: ۱۶۶-۱۶۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۳؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۳/۷

تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر بیگانه ستیزی ایرانیان

علی مشهودی* / دکتر علی فلاح نژاد** / محمد فلاح***

چکیده

انقلاب اسلامی از آغاز پیروزی با ارائه گفتمان جدید خود با عنوان نه شرقی نه غربی، نظم کهن و سنتی تعلق و وابستگی به یکی از دو بلوک شرق یا غرب را به طور جدی و عملی به چالش کشید. گفتمان انقلاب اسلامی پایان دهنده فرودستی و تحقیر در برابر استعمار و سلطه گری غرب و آغاز گر عصر بیداری و خودباوری و بازگشت به خویشتن اسلامی بوده است که این گفتمان با رویکرد تهاجمی و تخصصی از سوی بیگانگان مواجه بوده است. حال در اینجا سوالی که بر ذهن متبادر می شود این است که «گفتمان انقلاب اسلامی چه تأثیری بر بیگانه ستیزی ایرانیان داشته است؟»، استدلال تحقیق حاضر براساس روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای بر این منوال است که به نظر می رسد تجارب تاریخی تلخ از مداخلات بیگانگان در امور داخلی کشور و تشدید عملکردشان در قبال گفتمان انقلاب اسلامی در بیگانه ستیزی ایران مؤثر بوده است. هدف از تحقیق پیش رو آشنایی بیشتر با گفتمان انقلاب اسلامی و علل بیگانه ستیزی و بیگانه هراسی ایرانیان می باشد. یافته‌ها نیز صحت ادعای فوق را تأیید نموده و مبین این است که محاصره و تحریم اقتصادی ایران، کودتای نوژه، واقع طبس، جنگ عراق علیه ایران، حمایت از گروه های تروریستی و... دربرخورد با گفتمان انقلاب اسلامی بوده است که باعث بیگانه ستیزی ایرانیان شده است.

کلیدواژه‌ها

انقلاب اسلامی، بیگانه ستیزی، لاکلا و موفه، نظریه گفتمانی.

sadra.mashhoudi@gmail.com

alifalahnejad@yahoo.com

mohammad-falah69@yahoo.com

* عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

*** کارشناس ارشد روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران

۱. بیان مسأله

تاریخ ایران از دیر باز به علت موقعیت جغرافیایی - سیاسی یا ژئوپلیتیکی آن همواره شاهد تاخت و تاز بیگانگان و مهاجمان و لشکر کشی‌های بسیار بوده است. ضعف حکومت‌های مرکزی و از هم گسیختگی حاکمیت ملی و سیاسی در کنار عدم مشارکت سیاسی مردم و عدم حضور آنان در صحنه به دلیل جو خفقان و استبداد مطلقه و وجود نوعی تسلیم پذیری و تابعیت، از سوی موجب تنهایی حکومت‌های سیاسی در دفاع از قلمرو ملی و تمامیت ارضی ایران گردیده و در عین حال عدم اعتماد مردم و انزجار ایشان از مظالم دستگاه سیاسی یک‌تاز و انحصار طلب و نوعی نقش فرد گرایانه خودمحور، صفحاتی از تاریخ ایران را با گشایش‌ها و تعدیات بیگانگان رو برو ساخت. با پیروزی انقلاب تسلیم شدن در برابر رفتارهای ظالمانه در چارچوب تقدیر و قضای الهی مورد سؤال قرار داده شد. انقلاب اسلامی در پرتو اراده، باورها و ایستارهای مذهبی مردم شکل گرفت و به چالش کشاننده سکولاریسم و نفی کننده استعمار و استثمار است. گفتمان جدید انقلاب اسلامی به عنوان پدیده‌ای جدید چالشی تمام عیار برای هردو ابر قدرت به شمار می‌رفت؛ چون ماهیت، اهداف و شعارهای آن، شباهتی به هیچ کدام از این دو بلوک نداشت و آشکارا هردو را به چالش می‌کشید. همین امر سرآغاز برخی تحولات هر دو بلوک، علیه منافع نوپای اسلامی گردید که برخی از این تحرکات عبارتند از: کودتای نوژه، ماجرای طبس، حمایت از عراق در جنگ علیه ایران، تحریم اقتصادی و.. می‌باشد. حال در اینجا سؤالی که مطرح می‌شود این است که گفتمان انقلاب اسلامی چه تأثیری بر بیگانه ستیزی ایرانیان داشته است؟ در مورد سؤال مورد نظر فرضیه ما این است که چنین به نظر می‌رسد که تجارب تاریخی تلخ از مداخلات بیگانگان در امور داخلی کشور و تشدید عملکردشان در قبال گفتمان انقلاب اسلامی در بیگانه ستیزی ایران مؤثر بوده است.

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و تحلیلی می‌باشد که محقق از طریق شبکه‌های کامپیوتری و همچنین مراجعه به کتابخانه‌ها به جمع‌آوری کتاب‌های دست اول و تحقیقات و مقالات معتبر پرداخته از آن‌ها فیش برداری شده و پس از جمع‌آوری مطالب و مقایسه اطلاعات، به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته شده و اطلاعات معتبر استخراج گردیده و در نهایت به نتیجه‌گیری منتهی شده است.

۲. ادبیات پژوهش

در زمینه ادبیات پژوهش همان طور که گفتمان انقلاب اسلامی به سرعت مورد توجه نظریه پردازان اجتماعی و موضوع نظریه پردازی اقتصاددانان، عالمان سیاست، استراتژیست‌ها و جامعه‌شناسان و فرهنگ پژوهان در دهه‌های اخیر قرار گرفت بررسی تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر کشورهای مختلف نیز مورد توجه نظریه‌پردازان در زمینه‌های مختلف قرار گرفته. به عنوان مثال: ۱. مقاله «انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در لبنان» غلامرضا خواجه سروی و مریم رحمنی؛ ۲. مقاله «آزاد اندیشی در گفتمان انقلاب اسلامی»، جلیل دارا و مصطفی کرمی؛ ۳. مقاله «قدرت، گفتمان و زبان؛ سازو کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی» علی اصغر سلطانی؛ ۴. مقاله «درآمدی بر علل بیگانه‌هراسی و بیگانه ستیزی در فرهنگ سیاسی ایران معاصر» شمس‌الدین صادقی؛ ۵. مقاله «عاملیت انسانی و گفتمان انقلاب اسلامی ایران (تبیین جامعه‌شناختی عاملیت انسانی و تحولات معنایی آن از خرداد ۷۶ تا خرداد ۸۹)» بهرنگ صدیقی و حسن نظری؛ ۶. مقاله «بررسی و تحلیل فرایند استقرار و انسجام یابی گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه» یدالله هنری و علی آزرمی. اما کتب تحقیقی که مربوط به تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر بیگانه ستیزی مردم ایران باشد و مستقلاً راجع به این مسأله نوشته شده باشد کم‌اند. ممکن است به صورت یک فصل از یک کتاب یا در کنار سایر مسائل به این مسأله پرداخته شود و هیچ‌گاه این مسأله به صورت مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است.

متغیرهایی که در این تحقیق دخیل هستند. متغیر وابسته (گفتمان انقلاب اسلامی) است. که تأثیر متغیر مستقل، (بیگانه ستیزی ایرانیان) بر آن بررسی می‌شود. هدف تحقیق پیش رو آشنایی بیشتر با گفتمان انقلاب اسلامی و علل بیگانه ستیزی و بیگانه‌هراسی ایرانیان می‌باشد. در زمینه سازماندهی پژوهش مطالب این پژوهش مشتمل بر سه گفتار است. گفتار اول به مفاهیم تئوری و نظری گفتمان اختصاص دارد گفتار دوم به بررسی سابقه حضور بیگانگان و بدبینی ایرانیان، گفتمان اسلام سیاسی در آخر سعی شده واکنش‌های تخصصی آمیز بیگانگان علیه گفتمان انقلاب نشان داده شود.

۳. تعریف مفاهیم

۳-۱. گفتمان^۱

مفهوم گفتمان به عنوان مجموعه‌ای از دانش توصیف شده است که «اثرات، معانی و مفاهیم حقیقت» را در درون خود ایجاد می‌کند. به عبارتی، قدرت یک گفتمان از این امر ناشی می‌شود که آن گفتمان، مدعی حقیقت است (دانایی فرد و نوری، ۱۳۹۰: ۱۶۵). از دید تحلیل گران، گفتمان بیانگر ویژگی‌ها و خصوصیات تاریخی چیزهایی است که گفته می‌شود و ناگفته باقی می‌ماند. گفتمان‌ها همچنین روشن می‌سازند که چه کسی، در چه زمانی و با چه آمریتی، صحبت می‌کند (کردونی، ۱۳۸۸: ۷۵). گفتمان‌ها به عنوان نظام معنایی تکوینی فراگیر، فرایندها، رویه‌ها و روابط اجتماعی، هویت‌های اجتماعی، سوژه‌ها و ظرفیت‌های آنان را از طریق معنا بخشی به آن‌ها می‌آفرینند. از این رو، گفتمان تولید کنندگان خود را قادر می‌کند از طرق سوژه و ابژه سازی، از یک طرف خود را به عنوان صاحبان قدرت و صلاحیت و از سوی دیگر، دیگران را به مثابه موضوعات قدرت، تولید و باز تولید نمایند. برای مثال، تثبیت و توسعه گفتمان حقوق بشر، دموکراسی، آزادی و برابری، دو گروه از افراد و کشورها حافظ و ناقض حقوق بشر، دموکرات و آزادی خواه را می‌آفریند که در سایه آن، دسته اول بر دسته دوم اعمال قدرت می‌کند (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۰: ۱۸).

۳-۲. تحلیل گفتمان

اصطلاح «تحلیل گفتمان» نخستین بار در سال ۱۹۵۸ م. در مقاله‌ای از زلیک هریس^۲ زبان‌شناس معروف انگلیسی به کار رفته است. هریس در این مقاله، دیدی صورت گرایانه از جمله به دست می‌دهد و تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت گرایانه و ساختار گرایانه به جمله و متن بر می‌شمارد. بعد از هریس، بسیاری از زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را نقطه مقابل «تحلیل متن» دانسته‌اند. به اعتقاد این عده، تحلیل گفتمان شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری مانند گفتگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و تحلیل متن، شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری مانند مقاله‌ها، داستان‌ها و گزاره‌هاست. چندی بعد زلیک هریس، بعضی زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را در معانی متفاوتی بکار گرفتند. این گروه معتقد بودند که تحلیل گفتمان، بیشتر به کاربرد یا ساختار جمله و کشف و توصیف روابط آن می‌پردازد. به عبارت دیگر، تحلیل گفتمان

1. Discourse.
2. Zellig Hariis.

تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر بیگانه ستیزی ایرانیان

نزد این عده عبارت بود از شناخت رابطه جمله‌ها با یکدیگر و نگریستن به کل آن چیزی که نتیجه این روابط است (فاضلی و کردونی، ۱۳۸۷: ۱۳۳). هدف در تحلیل گفتمان، همواره متن است. به نظر فرکلاف، ویژگی‌های اصلی متن شامل به هم پیوستگی، انسجام منطقی، قصد مندی، پذیرفتگی (پسندیدگی)، اطلاع دهندگی، وجه موقعیتی و بینامتنی، باعث شکل‌گیری سیستم‌هایی از دانش و باور در سطح شخصی و روابط بین شخصی و همچنین باعث شکل‌گیری روابط اجتماعی بین فاعل‌های مختلف اعم از شاخص‌ها و نهادها می‌شود (Crow, 2005: 60).

۴. پیشنهاد نظری گفتمان

نظریه گفتمان اساساً در زبان‌شناسی سوسور^۱، زبان‌شناس سوئیسی، با طرح ساختارهای زبانی اولین قدم‌ها را در ایجاد نظریه گفتمان برداشت. وی زبان را نظامی از اصلاحات مرتبط بدون ارجاع به زمان در نظر گرفت و خصلت «در زمانی^۲» و متحول آن را فرعی تلقی می‌کرد. زبان، به مثابه نظام نشانه‌ها شامل قواعد ضروری است که سخنان اگر می‌خواهد با دیگران ارتباط معنا داری پیدا کند باید به آن وفا دار بماند. عنصر اصلی زبان در نظریه سوسور، نشانه‌ها هستند، نشانه‌ها دال‌ها و مدلول را با هم مرتبط می‌کنند؛ اما هیچ ارتباط ضروری و حتی طبیعی نیز بین دال و مدلول وجود ندارد و این رابطه اختیاری و اتفاقی است. به سخن دیگر، عرف است که معنایی را به نشانه‌ای اسناد می‌دهند و رابطه دال و مدلول، تنها در درون یک نظام معنایی خاص، برقرار می‌شود و نه بر اساس واقعیت بیرونی یا قواعد منطقی (هنری و آزرمی، ۱۳۹۲: ۹۸).

به نظر گی^۳ گفتمان متضمن چیزی بیش از زبان است. گفتمان‌ها همواره متضمن هماهنگ کردن زبان با شیوه عمل، تعامل، ارزش‌گذاری، باور داشتن، احساس، بدن‌ها، لباس‌ها، نمادهای غیر زبانی، اشیاء، ابزارها، تکنولوژی‌ها، زمان و مکان است. وی همچنین چندین خصیصه برای برای گفتمان‌ها بیان می‌کند. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از: ۱. یک گفتمان می‌تواند به دو یا چند گفتمان تبدیل شود؛ ۲. دو یا چند گفتمان می‌توانند در یک گفتمان ادغام شوند؛ ۳. گفتمان‌ها در طول زمان تغییر می‌کنند اما می‌توان خطوط مشترک میان آن‌ها یافت؛ ۴.

1. Ferdinand De Saussure
2. Diachronic
3. Gee

گفتمان‌های جدیدی ظهور می‌کنند و گفتمان‌های قبلی می‌میرند (Gee, 1999:23). از نگاه مک دانل^۱ گفتمان، پدیده، مقوله یا جریانی اجتماعی است، یا به تعبیری گفتمان جریان و بستری است که دارای زمینه‌ای اجتماعی است اظهارات و مطالب بیان شده گزاره‌ها^۲ و قضایای^۳ مطرح شده، کلمات و عبارات مورد استفاده و معانی آن‌ها جمله‌گی بستگی به این نکته دارد که مطالب بیان شده، گزاره‌های مطرح شده، قضایای مفروض و ... کی، کجا، چگونه، توسط چه کسی له یا علیه چه چیزی یا چه کسی صورت گرفته‌اند. به بیان دیگر بستر زمانی، مکانی مورد استفاده سوژه‌های استفاده کننده هر مطلب، گزاره و قضیه‌ی تعیین کننده‌ی شکل، نوع و محتوای هر گفتمان به شمار می‌روند (مک دانل، ۱۳۸۰:۵۶). یاروسکی و کاپلان تعریف جامعه شناختی تری از گفتمان ارائه می‌دهند. به اعتقاد این دو «گفتمان عبارت است از کاربرد زبان در رابطه با صورت بندی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی - زبانی که بازتاب دهنده نظم اجتماعی است و در عین حال به نظم اجتماعی و کنش متقابل افراد با جامعه شکل می‌دهد» (فاضلی، ۱۳۸۳:۲۵).

به نظر فرکلاف^۴، گفتمان چنان نیست که مستقلاً و از طریق تحلیل ساختارهای یک متن قابل تحقیق باشد، گفتمان در منظومه تعاملات گفتمانی و در رابطه پیچیده با شرایط اجتماعی و سیاسی قابل فهم و تحلیل است. اهمیت فرکلاف در مطالعات گفتمانی فراتر بردن متن از سطح صرف زبان شناختی و برقراری نسبی روش مند میان متن و زمینه اجتماعی و سیاسی است (صدیقی و نظری، ۱۳۹۰:۱۲۹).

میشل فوکو^۵ گفتمان را چنین تعریف می‌کند: «در صورتی به مجموعه‌ای از گزاره‌ها گفتمان خواهیم گفت که یک فرم‌اسیون (صورت‌بندی) گفتمانی تعلق داشته باشد. گفتمان متشکل از تعداد محدودی از گزاره‌هاست که بتوان گروهی از شرایط لازم برای وجود آن تعریف کرد. گفتمان در این معنا یک صورت مثالی^۶ و بی‌زمان نیست. گفتمان پاره‌ای از تاریخ است که محدودیت‌ها، تقسیم بندی‌ها، تحولات و صورت‌های خاص زمان مند خود را تحمیل می‌کند (دارا و کرمی، ۱۳۹۲:۹۴). در این نوشتار الگوی ما؛ گفتمان است. با توجه به این که نظریه‌های

-
1. Mc Donnell
 2. Statements
 3. Premises
 4. Norman Fairclough
 5. Foucault
 6. Ideal

تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر بیگانه ستیزی ایرانیان

گفتمانی مانند سوسور، فوکو، لاکلا، موفه و.. وجود دارد الگوی این مقاله نظریه گفتمانی لاکلا و موفه^۱ می باشد چرا که به نظر می رسد برخی از مفاهیم بکار برده شده در این نظریه از برخی جهات هماهنگی بیشتری با این نوشتار دارد. لذا ابتدا به شرح مختصری از کلیت نظریه لاکلا و موفه پرداخته می شود و سپس ۴ مفهوم از مفاهیم این نظریه که هماهنگی و سازگاری بیشتری با موضوع بحث دارد مورد شرح قرار می گیرد.

۵. نظریه گفتمان لاکلا و موفه

ویژگی گفتمان لاکلا و موفه این است که این دو نفر تحلیل گفتمان انتقادی را از حوزه زبان‌شناسی به عالم سیاست و اجتماع کشیده‌اند و آنرا به مثابه ابزاری نیرومند برای تحلیل‌های اجتماعی خود استفاده کرده‌اند. نقطه مشترک گفتمان فوکو و لاکلا عمومیت گفتمان نسبت به زبان است؛ به طوری که گفتمان تمام عرصه‌های حیات اجتماعی را در می‌نوردد و اذهان و رفتار کارگزاران فردی و اجتماعس را شکل می‌دهد (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۶). لاکلا و موفه با طرح مباحثی هم چون دال‌های شناور قابلیت اعتبار، دال مرکزی، زنجیره هم ارزی و تفاوت معتقدند «امور اجتماعی و سیاسی و به طور کلی جهان واقعیت تنها در درون ساخت‌های گفتمانی قابل فهمند و هیچ چیز به خودی خود دارای هویت نیست» (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۳۴). لاکلا و موفه در تبیین بهتر نظریه گفتمانی خود مباحث دگرگری را مطرح می‌کنند از جمله این مباحث عبارتند از:

۵-۱. مفصل بندی^۲

کنشی که میان عناصر مختلف متنند مفاهیم، دال‌ها، نمادها و... چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولیه آن‌ها دگرگون شده، هویتی جدید بیابند. از این رو، هویت یک گفتمان در اثر رابطه‌ای شکل می‌گیرد که از طریق عمل مفصل بندی میان عناصر گوناگون به وجود می‌آید. در فرایند مفصل بندی، گفتمان‌ها دال‌های شناور در عرصه اجتماع را همانند قطعات به هم ریخته پازل به گونه‌ای کنار هم می‌چینند که معنایی همه فهم و تصویری روشن از نظام سیاسی اجتماعی به دست دهد (کسرایبی، ۱۳۹۰: ۲۳۰).

1. Laclau & Mouffe
2. Articulation

۵-۲. دال و مدلول^۱

دو مفهوم دال «دال و مدلول» در نظریه لاکلاو و موفه نقش کلیدی دارند. دال‌ها اشخاص و مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب گفتمانی خاصی خاص، بر معانی خاصی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که ما با دیدن آن، دال مورد نظر برای مان معنا می‌شود (فلاحی، ۱۳۹۴: ۸۸).

۵-۳. دال مرکزی^۲

دال مرکزی، نشانه برجسته‌ای است که دیگر نشانه‌ها در سایه آن منظم و مفصل بندی شده و انسجام معنایی کل گفتمان را حفظ می‌کند (سلطانی، ۱۳۹۱: ۷).

۵-۴. دال شناور^۳

نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند تا به آن‌ها به شیوه خاص خود معنا بخشند، گفتمان‌هایی که بتوانند با جذب این دال‌ها به ابهام و خلأ معنایی موجود پایان بخشند، در دسترس عوامل اجتماعی قرار می‌گیرند و امکان هژمونیک شدن آن‌ها فراهم می‌شود (خواجه سروی و رحمنی، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

۵-۵. ضدیت^۴ و غیریت^۵

فهم نظریه گفتمان اساساً بدون مفاهیم ضدیت و غیریت امکان پذیر نیست. هر گفتمانی ضرورتاً به گفتمان رقیب دیگر نیاز دارد تا با واسطه آن هویت یابد. هیچ جامعه یکدستی را نمی‌توان تصور کرد که در آن فقط یک گفتمان یا، به عبارت دیگر، تنها یک نوع جهان بینی و طرز تفکر حاکم باشد. هر گفتمانی به منظور هویت یافتن به ناچار شروع به تولید دشمن برای خود می‌کند. البته گاه گفتمان‌ها بیش از یک غیر دارند و مجموعه‌ای از غیریت‌ها برای هویت یابی در شرایط مختلف استفاده می‌کنند. از این رو می‌توان بین غیر خارجی و غیر داخلی تمایز قائل شد. ایجاد غیریت سازی از سه جهت برای نظریه گفتمان اهمیت محوری دارد. اولاً، خلق رابطه غیریت سازانه که همواره شامل تولید «دشمن» یا «دیگری» است، برای تاسیس

-
1. Signifier & Signified
 2. Nodal Point
 3. Floating Signifier
 4. Antagonism
 5. Otherness

تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر بیگانه ستیزی ایرانیان

مرزهای سیاسی دارای اهمیت به سزایی است. ثانیاً، تشکیل روابط غیریت سازانه و تثبیت مرزهای سیاسی، برای تثبیت جزئی هویت‌های گفتمانی و عاملان اجتماعی اهمیت اساسی دارد. ثالثاً، آزمودن غیریت سازی مثال خوبی است برای نشان دادن محتمل الوقوع بودن هویت (دارا و کرمی، ۱۳۹۲: ۱۰۷).

۵-۶. هژمونی^۱ و ساختار شکنی^۲

لاکلا و موفه از انعطاف پذیری رابطه میان دال و مدلول استفاده سیاسی می‌کنند و آن را با مفهوم هژمونی پیوند می‌دهند. یعنی اگر بر سر معنایی خاص برای یک دال در جامعه اجماع حاصل شود، به عبارت دیگر افکار عمومی معنایی مشخص را برای آن هرچند به طور موقت بپذیرد و تثبیت نماید، آن دال هژمونیک می‌شود. اما هدف از ساختار شکنی، از میان بردن این ثبات معنا و شکستن هژمونی گفتمان رقیب است؛ چراکه شکستن ثبات معنایی یک گفتمان، در نهایت به از میان رفتن زمونی آن گفتمان منجر خواهد شد (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۹۲: ۱۸).

۵-۷. قدرت^۳

لاکلا و موفه در مبحث قدرت تحت تأثیر فوکو هستند. از نظر فوکو قدرت در همه جا وجود دارد؛ نه به این دلیل که هرچیزی را در بر می‌گیرد، بلکه به این دلیل که از همه چیز ناشی می‌شود. تثبیت یا عینیت یک گفتمان همواره با روابط قدرت و طرد سرکوب دیگران صورت می‌گیرد و بدون قدرت هیچ تثبیت و عنیتی وجود ندارد. لازمه رفتارهای هژمونیک، ترسیم مرزهای سیاسی است؛ به عبارت دیگر باید کشمکش میان نیروهای مخالف و جداسازی برخی از احتمالات در تأسیس گفتمان‌ها وجود داشته باشد. به همین دلیل، رفتار هژمونیک اغلب شامل به کارگیری قدرت است؛ زیرا طی آن یک پروژه سیاسی سعی می‌کند تا خواسته‌های خود را بر دیگران تحمیل کند (فلاحی، ۱۳۹۴: ۹۱).

۵-۸. بی‌قراری^۴

اساساً تثبیت و انسداد در معنای نشانه‌ها دائمی نیست. به همین علت لاکلا و موفه برای نشان دادن موقتی بودن معنای دال‌ها، از واژه وقته استفاده می‌کند بنابراین همواره این امکان

1. Hegemony
2. Deconstruction
3. Power
4. Dislocation

وجود دارد که معنای تثبیت شده یک وقته متزلزل شود. این تزلزل را بی قراری می نامند(هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۹۲: ۱۸).

۵-۹. منطق تفاوت^۱ و منطق هم ارزی^۲

منطق تفاوت به ویژگی متکثر بودن جامعه اشاره دارد و بر تمایزها و تفاوت‌های میان نیروهای اجتماعی تأکید می کند. اما گفتمان‌ها پیوسته در تلاش هستند تا تفاوت‌های موجود را پنهان کنند و جامعه را یکدست نشان دهند. این کار به وسیله ایجاد یک زنجیره هم ارزی انجام می شود. اگرچه پنهان کردن تفاوت‌ها همیشه موقتی است. و هر لحظه این امکان وجود دارد که اختلافات هویدا شود. چراکه منطق تفاوت می کوشد از راه تأکید بر تفاوت‌ها و تنوعات و به تبع آن اختلافات موجود در عرصه اجتماعی، زنجیره هم ارزی موجود را به هم بریزد (کسرایبی و پوزش شیرازی، ۱۳۹۰: ۲۳۱).

۶. تجربه تاریخی و بدبینی ایرانیان به بیگانگان

تجربه تاریخی ایرانیان مملو از خاطرات تلخ و یادآور تجاوزها و دخالت‌ها مکرر نیروهای بیگانه‌ای است که به شکل ادواری، بنا به دلایل مختلف، به سرزمین ایران تجاوز نموده‌اند و تا سال‌ها کشور را دستخوش بی ثباتی و ناامنی نموده‌اند. همین امر در کنار تجربه زندگی مردم در شرایط استبدادی، باعث ایجاد نوعی فرهنگ ضد بیگانه، فرهنگ بی اعتمادی، ناامنی و ابهام در میان مردم ایران شده است. ضمن اینکه، تجربه دو قرن اخیر نیز پر از تجاوزها یا حداقل، دخالت‌های نیروی‌های بیگانه است که این امر به تشدید شاخص‌های ذکر شده در فرهنگ عمومی، سیاسی و در نهایت، راهبردی جمهوری اسلامی ایران منجر شده است (ترابی، ۱۳۹۰: ۱۴۷). نگاهی به دخالت قدرت‌های سلطه گر روس، انگلیس و آمریکا در امور ایران و آسیب پذیری ایران از تدابیر و نقشه‌های پنهان و آشکار این قدرت‌ها در رقابت بر سر ایران، به ویژه در دو قرن اخیر تحولات سیاسی معاصر کشور، خود به نوعی ذهنیت توطئه دائمی بیگانگان برای ضربه زدن به کشور را در میان دولتمردان و توده مردم، تشدید نموده است. این ذهنیت سبب شده تا ایرانیان آگاهانه یا ناخودآگاه در ورای هر حادثه نامطلوب سیاسی - اجتماعی، بلافاصله یک توطئه خیالی یا واقعی را که از ناحیه نیروهای خارجی یا

1. Logic of Difference
2. Chain of Equivalence

تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر بیگانه ستیزی ایرانیان

قدرتهای جهانی پایه ریزی و هدایت می‌شود، تصور و فرض نمایند. به دلیل تداوم بلندمدت احساس خطر نسبت به مداخله و توطئه دائمی بیگانگان، این ذهنیت در شکل فرهنگ عمومی و سپس باور سیاسی در بطن جامعه ایرانی نهادینه شده و به معیاری برای سنجش قضاوت آنان نسبت به ارزیابی مسائل و مشکلات درونی جامعه ایران و انتساب آن به نیروهای خارجی تبدیل شده است (صادقی، ۱۳۸۸: ۱۵۸).

چشم انداز دید جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای است که تحت تأثیر تجربه تاریخی و همچنین، عناصری از فرهنگ اسلامی شیعه، غرب و آمریکا را به عنوان مهمترین دشمنان تعریف نموده است. منظور از تجربه تاریخی، تجربه تلخ تجاوزها و دخالت‌های کشورهای خارجی در ایران است. در این بین، تجربه دخالت‌های مکرر روسیه و به خصوص انگلستان و بعدها آمریکا، نقش مهمی در جهت‌گیری‌های ضد غربی جمهوری اسلامی و تعریف غرب به عنوان مهمترین دشمن در فرهنگ راهبردی آن داشته است (Stanley, 2006:18-19). برای نمونه می‌توان به تجربه اشغال ایران توسط روسیه، آمریکا و انگلستان طی جنگ جهانی دوم، تصرف بخش مهمی از سرزمین ایران توسط روسیه، استعمار منابع ایران، دخالت در اداره کشور، کودتای ۲۸ مرداد، حمایت از شاه، کاپیتولاسیون و.. در زمان رژیم گذشته، ماجرای تسخیر سفارت آمریکا، کودتای نوژه، ماجرای طبس، تحریم همه جانبه ایران و تداوم آن، جنگ تحمیلی و حمایت آمریکا از صدام و تحریک وی، حمله به سکوهاى نفتی ایران، حادثه هواپیمای مسافر بری ایرباس، حمایت آمریکا از مجاهدین، وارد نمودن اتهاماتی به ایران مبنی بر حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر همگی نشان دهنده رابطه خصمانه و فضای شدیداً امنیتی میان دو کشور است. نوع عملکرد آمریکا در رژیم گذشته و موضع‌گیری‌های امام (ره) در قبال آن، کشور آمریکا به نماد «استکبار جهانی» و «شیطان بزرگ» معرفی کرده، و مبارزه با آن را جز عناصر هویتی، ماهیت و اهداف اصلی انقلاب اسلامی ساخته است (آجیلی، ۱۳۸۶: ۱۹۷).

مبنای دیگر غرب ستیزی جمهوری اسلامی ایران، هویت اسلامی آن است. چون مبنای اولیه اصلی هویت جمهوری اسلامی ایران اسلام شیعی است و هویت نقش برجسته‌ای در فرهنگ راهبردی دارد، بدون تردید اسلام شیعی مهمترین نقش را در تعریف غرب و آمریکا به عنوان مهمترین تهدید داشته است. در این زمینه می‌توان به مفاهیمی در اسلام و به خصوص اسلام شیعی اشاره نمود که در حال حاضر مصداق اصلی آن‌ها غرب و

آمریکاست. برای نمونه، در فرهنگ شیعی، ظلم ستیزی، استکبارستیزی و قواعدی چون نفیسبیل، نقش برجسته‌ای دارند که می‌توان مصداق اصلی آن‌ها در دنیای کنونی را کشورهای غربی با توجه به سابقه استعماری و انواع و اقسام دخالت‌های سیاسی آن‌ها دانست. به علاوه، آنچه امروزه هویت اسلامی کشورهای اسلامی را تهدید می‌کند، ارزش‌ها و باورهای غربی است. در واقع، نام‌گذاری آمریکا به عنوان «شیطان بزرگ» و همچنین، صحبت از تهاجم فرهنگی به عنوان بزرگترین خطر برای اسلام و ایران، همگی تأییدکننده همین موضوع هستند (Stanley, 2006: 19).

۷. گفتمان اسلام سیاسی و رویکرد نه شرقی نه غربی

شعار «نه شرقی - نه غربی» که یکی از شعارهای اصلی دوران انقلاب بود پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی به اصل کلی و ثابت در سیاست خارجی کشور تبدیل شد و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل نه شرقی - نه غربی به مثابه راهنمای عمل روابط خارجی درج شد. ساختار نظام بین‌المللی مسلط در دوران انقلاب نظامی دو قطبی بود که آمریکا و شوروی به عنوان دو ابر قدرت دو قطب این نظام را تشکیل می‌دادند. تأکید انقلاب اسلامی بر شعار «نه شرقی - نه غربی» علاوه بر اینکه تأکیدی بر استقلال کشور و نشان‌دهنده راهی جدید برای انقلاب‌ها و جنبش‌های ملی در عرصه جهانی بود، به شیوه‌ای منطقی بنیان امنیت کشور را بر ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ملی قرار داده و بر گسستن پیوندهای وابستگی به قدرت‌های جهانی تأکید نمود داشت. گفتمان جدید انقلاب اسلامی حاوی نظم جدیدی در منطقه خاورمیانه، واکنش سلبی نظام دو قطبی را در پی داشت. این رویکرد معنایی خود، موجد پاسخ تند نظام مادی بین‌الملل شد. نظام دو قطبی با ویژگی‌هایی که برای خود تعریف کرده بود برعکس نظام توان قوای قرن نوزدهم که فقط نظامی اروپای بود موفق شده بود؛ بر کل جهان مسلط شود و کشورها را به دو بلوک عمده تقسیم کند هرچند جریاناتی چون غیر متعهد ها در درون نظام دو قطبی شکل گرفتند ولی هیچ وقت نتوانستند قطب سوم شوند و یا نظام دو قطبی را تغییر دهند و یا آن را به چالش کشند. نظام دو قطبی هم چنین موفق شده بود از وقوع جنگ جهانی سوم جلوگیری کند ولی جنگ بین قدرت‌های بزرگ را به‌طور ناعادلانه به جنگ نمایندگی به وسیله کشورهای کوچک تبدیل کرده بود و زمانی که انقلاب اسلامی نظام دو قطبی را به چالش کشید این نظام را نافی حقوق ملت‌ها معرفی کرد و گسستن زنجیرهای

تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر بیگانه ستیزی ایرانیان

استعماری آمریکا و شوروی را تنها راه نجات ملت‌ها دانست. انقلاب اسلامی با شعار نه شرقی نه غربی طلایه دار راهی جدید شد که همزمان تسلط دو قدرت بزرگ را بر مقدرات بشری محکوم ساخت و هزینه‌های سنگین هم برای این آرمان خود پرداخت؛ ولی استقلال و شعار راهبردی خود را حفظ کرد و موفق شد این نگرش استراتژیک را به عنوان یک انقلاب اصیل انسانی در جهان مطرح کند (صالحی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

ایدئولوژی انقلاب اسلامی بیانگر ارائه طرح و راه جدید به ملت‌های استعمار زده جهان برای کسب استقلال و رهایی و ساختن جامعه آزاد و توسعه یافته است. در این میان کسب استقلال که از عناصر تشکیل دهنده ایدئولوژی انقلاب اسلامی است، یک پیش شرط لازم برای دستیابی به جامعه آرمانی مورد توجه انقلاب اسلامی است. تحولات تاریخ معاصر جهان نشان داده است که انقلاب‌هایی که پس از پیروزی راه مماشات با دولت‌های استعمار گر بدون عزم جدی برای جلوگیری از نفوذ دوباره آن‌ها در پیش گرفته‌اند سرانجام استقلال و دست‌یابی به توسعه را فدا کرده‌اند. به طور کلی، ایدئولوژی انقلاب اسلامی از نظر مبنا یک ایدئولوژی درونزا و دارای اصالت است فرهنگی و از نظر همراهان بسیار فراگیر و در برگیرنده بیشتر نزدیک به همه مردم بوده است (ملکوتیان، ۱۳۸۹: ۲۹۰).

استقلال از قدرت‌های غربی و شرقی بخشی از ایدئولوژی انقلاب اسلامی را تشکیل داده و ملت ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی از این دستاورد پاسداری کرده است. از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پرچم مخالفت جدی با مطامع استعماری غرب به رهبری آمریکا در دست ایران اسلامی قرار داشته و نتایج این امر، خود را در ضعف روز افزون غرب- چه به دلیل افزایش آگاهی مردم جهان از مطامع استعماری قدرت‌های غربی و انعکاس این امر در ایجاد شکاف در هم‌مونی و سلطه فکری جهانی این قدرت‌ها و چه به دلیل آشکار شدن نتایج سیاست‌های نادرست این دولت‌ها از قبیل اشغال سرزمین‌های دیگر با عناوینی مانند مبارزه با تروریسم- نشان داده است (ملکوتیان، ۱۳۸۹: ۳۰۱).

۸. برخی اهداف استراتژیک جمهوری اسلامی ایران

۸-۱. همانطور که پیش از این ذکر شد، مبارزه با استکبار جهانی، به ویژه آمریکا، و از بین بردن اسرائیل در زمره عناصر هویتی و اهداف ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند. لذا کوتاه آمدن در این حوزه، دست کشیدن از مبارزه و حرکت به سوی سازش، موجب خدشه دار شدن

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال دهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۷

مشروعیت نظام و قلب ماهیت انقلاب اسلامی می‌گردد. به علاوه اینکه سیاست خارجی ایران، سعی دارد با ایجاد انگیزه و وحدت میان ملت‌ها و دولت‌های ستمدیده به این مهم دست یابد، لذا این هدف، بعد منطقه‌ای و حتی جهانی دارد.

۲-۸. رشد و توسعه اقتصادی، رفاه داخلی و ایجاد امنیت، برای اثبات کارآمدی نظام از یک سو و تبدیل شدن به یک کشور انقلابی و اسلامی نمونه و قابل الگو برداری برای سایر ملت‌ها و دولت‌ها از سوی دیگر، از اهداف جمهوری اسلامی است.

۳-۸. کشور ایران، در اهداف کلان و چشم انداز آینده خود، سعی دارد تا به تدریج تبدیل به یک قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی در منطقه گردد، که این مسأله با توجه به اهداف و ماهیت این نظام تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می‌شود (آجیلی، ۱۳۸۶: ۱۹۹).

۹. واکنش‌های تخصم آمیز بیگانگان علیه انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» این کشور که از هم پیمانان غرب و آمریکا در منطقه بود به مهم‌ترین مخالف سیاست‌های آمریکا تبدیل شد. در واقع در نظام دو قطبی آن روز، انقلاب راه سوم را برگزید که این راه مخالف ایدئولوژی‌های سوسیالیسم و لیبرالیسم بود. بعد از فروپاشی نظام کمونیستی در شوروی آمریکایی‌ها تنها رقیب ایدئولوژیک خود را جمهوری اسلامی ایران می‌بینند. ایالات متحده خود را تنها ابر قدرت جهان می‌داند، در صدد بسط و گسترش سلطه خود بر جهان تحت عنوان «نظام نوین جهانی» است. هر چند تعدادی از قدرت‌های بزرگ به شیوه‌های مختلف با آن مخالفت می‌کنند، اما مهم‌ترین رقیب و مخالف ایدئولوژیک آن، قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین آمریکایی‌ها از همان ابتدای انقلاب با انواع توطئه‌ها، تحریم‌ها، تهدیدهای نظامی، فشارها و محاصره و حمایت از مخالفان جمهوری اسلامی در صدد تغییر رفتار یا تغییر رژیم با براندازی بوده‌اند (فیروزی، ۱۳۸۸: ۷۷). ایران از زمان انقلاب پیروزی انقلاب در دهه ۱۹۷۰ م، به دلایل مختلف از طریق سازو کارها و ابزارهای مختلف سیاسی و اقتصادی زیر فشار غرب به رهبری آمریکا بوده است. این فشارها با هدف کاهش توان تأثیر گذاری ایران بر منطقه و جهان انجام شده در افزایش شمار دامنه‌ی چالش‌های خارجی ایران نقش زیادی داشته است (امیر انتخابی، ۱۳۸۴: ۹۸).

۹-۱. محاصره اقتصادی و تحریم ایران

ابتدا این تحریم‌ها در دوره ریاست جمهوری جیمی کارتر آغاز شد و از آن زمان تاکنون کم و بیش در شکل‌های مختلف ادامه داشته است. اولین تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران در سال ۱۹۸۰ م، در واکنش به گروگان‌گیری سفارت آمریکا انجام گرفت. این تحریم قرار داد فروش صدها میلیون دلار تجهیزات نظامی را که در زمان محمد رضا پهلوی به امضا رسیده بود لغو و فروش تجهیزات نظامی به ایران را غیر قانونی کرد. همچنین دولت ایالات متحده روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرد. متعاقباً چندین کشور دیگر، از جمله اتحادیه اروپا و ژاپن به آمریکا پیوستند و فروش تجهیزات نظامی و اعطای وام به ایران را ممنوع کردند و خرید نفت را از ایران متوقف ساختند. این تحریم در ژانویه ۱۹۸۱، پس از آزاد سازی گروگان‌های آمریکایی لغو شد. با وجود لغو تحریم و از سرگیری روابط تجاری بین دو کشور، روابط آمریکا با ایران همچنان تیره ماند. در طول جنگ ایران با عراق دولت ریگان حرکت بین‌المللی گسترده‌ای را برای جلوگیری از فروش تجهیزات نظامی به ایران سازمان داد تا مانع از پیروزی ایران در جنگ علیه عراق گردد. در ژانویه ۱۹۸۴ به دلیل بمب گذاری در نیروگاه نظامی آمریکا در لبنان توسط نیروهای حزب الله که ۲۴۱ کشته برجای گذاشت دولت آمریکا، ایران را در فهرست کشورهای حامی تروریسم قرار داد. این امر موجب منع صادرات و فروش تجهیزات نظامی به ایران و قطع تمامی کمک‌های مالی به کشور از جمله مخالفت با اعطای وام از طریق بانک جهانی شد (یاوری و محسنی، ۱۳۸۸: ۱۵).

محدودیت صادرات کالاهای آمریکایی به ایران از سال ۱۹۸۴ م. افزایش یافت و واردات کالاهای ایرانی به آمریکا از اواخر ۱۹۸۷ م. به کلی ممنوع شد (بهریزی فر، ۱۳۸۳: ۲۰۵). اندکی پس از به قدرت رسیدن کلینتون، برخی از مشاوران وی از جمله آنتونی لیک، مشاور امنیت ملی کلینتون و مارتین ایندیک، مدیر خاور نزدیک و آسیای جنوبی شورای امنیت ملی آمریکا، پیشنهاد کردند که هر دو کشور ایران و عراق باید به گونه‌ای تضعیف شوند که دیگر به عنوان خطری برای منافع ملی آمریکا به حساب نیایند. هیات حاکمه کلینتون در سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) با هدف تمرکز بر این دو منبع به اصطلاح تهدید و نگرانی، سیاست مهار دو جانبه را اتخاذ کرد که تا سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵) ادامه یافت (نوازانی، ۱۳۸۴: ۳۸۶). در مارس ۱۱۹۵ م، دولت کلینتون، به دلیل حمایت ایران از تروریسم و مخالفت با صلح خاورمیانه، هرگونه مشارکت شرکت‌های آمریکایی را در توسعه نفت ایران منع کرد در مه ۱۹۸۶ م، کلینتون همه مبادلات اقتصادی با

ایران را تحریم کرد. همچنین در آوریل ۱۹۸۶ م، قانون «ضد تروریسم و مجازات مرگ» و هرگونه مبادلات مالی با ایران منع شد و از کمک‌های مالی به کشورهای که تجهیزات و خدمات در اختیار ایران قرار می‌دهند، جلوگیری به عمل آمد (عزیز نژاد و سید نورانی، ۱۳۸۸: ۱۷۵).

قانون تکمیلی ۲۳ ژوئای ۱۹۹۶ م. در مورد تحریم ایران و لیبی^۱ و تقریباً تمام تجارت دوجانبه را که در آن شرکت‌های خارجی در سال بیش از ۴۰ میلیون دلار در حوزه‌های نفتی جدید ایران سرمایه‌گذاری نمایند را ممنوع نمود. این سقف در سال ۱۹۹۷ م. به ۲۰ میلیون دلار در سال کاهش یافت. سایر کشورها نیز تحریم‌هایی را به منظور محدود نمودن دسترسی ایران به محصولات و تکنولوژی در راستای ممنوعیت از تولید و حمل سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی وضع نمودند (بهریزی فر، ۱۳۸۳: ۲۰۵).

این مجازات‌ها تنها به شرکت‌ها و سازمان‌هایی که در زمینه نفت فعالیت می‌کردند محدود نمی‌شد، بلکه شرکت‌ها و سازمان‌هایی را که از نظر هیأت حاکمه آمریکا، قطعنامه شماره ۷۴۸ و ۸۸۳ شورای امنیت را نقض کرده باشند، شامل می‌شد. مجازات‌های که در قانون داماتو پیش بینی شده بود شامل عدم صلاحیت برای شرکت در قرار دادهای مزایده‌ای حکومت ایالات متحده، منع واردات به ایالات متحده، رد پروانه‌های صادراتی ایالات متحده، منع کمک‌های بانک صادرات و واردات ایالات متحده بود. در این قانون، تنها فروش برخی از تولیدات کشاورزی و دارویی به ایران و انتقال نفت کشورهای آسیای مرکزی از طریق خلیج فارس به صورت سو آپ (جابه جایی) مستثنی شده بود (واعظی، ۱۳۷۹: ۱۲۸). ۱۲ نوامبر ۲۰۰۰ م، «قانون منع گسترش قوه نظامی ایران^۲» تصویب شد که هدف آن جلوگیری از صدور تکنولوژی نظامی به ایران بود (عزیز نژاد و سید نورانی، ۱۳۸۸: ۱۷۶). در ژانویه ۲۰۰۱ دولت بوش با استناد به قانون، یک شرکت کره‌ای و دو شرکت چینی را به علت فروش قطعات سلاح‌های موشکی و شیمیایی به ایران تحریم کرد. بالاخره، در آگوست ۲۰۰۱ قانون تحریم ایران - لیبی برای دوره پنج ساله تمدید شد (یاوری و محسنی، ۱۳۸۸: ۱۸). دسامبر ۲۰۰۶ و ژانویه و اکتبر ۲۰۰۷ م، تحریم‌هایی علیه بانک‌های سپه، صادرات، سپاه پاسداران و وزارت دفاع اعمال شد. که بر اساس ادعای شورای امنیت، دلیل اصلی آن حمایت مالی از تروریسم و حزب ا... لبنان و همچنین تلاش برای

1. Iran and Lybia Sanction Act

2. Iran Nonproliferation Act

تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر بیگانه ستیزی ایرانیان

دست یابی به سلاح کشتار جمعی و حمایت از آن بود. ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۸ م، آمریکا در این تاریخ شرکت کشتی رانی و شرکت هواپیمایی ایران را تحریم کرد. که این امر به دلیل دستیابی ایران به مواد لازم برای تولید سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی صورت گرفت. اکتبر ۲۰۰۸ م، بانک توسعه صادرات ایران به دلیل کمک به برنامه تسلیحاتی و هسته‌ای ایران از جانب آمریکا تحریم شد (عزیز نژاد و سید نورانی، ۱۳۸۸: ۱۸۱-۱۷۹).

۲-۹. حمله نظامی به ایران (واقعه طبس)

آمریکا پس از واقعه تسخیر، با مطرح کردن محصره اقتصادی در پی القاء این فکر بود که آمریکا قصد حمله نظامی به ایران را ندارد ولی یک ماه پس از تسخیر سفارت آمریکا، مرحله آماده سازی کماندوهای آمریکایی در آمریکا و مصر به مدت پنج ماه انجام شد و سپس در چهارم اردیبهشت ۵۹ تعداد شش فروند هواپیمای C-130 و نود کماندوی آموزش دیده راهی ایران شدند تا به همراه ۸۰ هلی کوپتر راهی طبس گردند که در آنجا گرفتار طوفان شن شدند و در انجام عملیات ناکام ماندند (حسین زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۰).

۳-۹. کودتای نوژه

هرچند طرح این کودتا قبل از واقعه تسخیر در دستور کار دولت مردان آمریکایی قرار داشت ولی واقعه تسخیر، آمریکا را در انجام این عملیات مصمم نمود. ستاد فرماندهی کودتا، متشکل از عناصر سیاسی و نظامی رژیم گذشته بود. آنان قصد داشتند تا اهداف و مراکز مهمی در تهران از جمله بیت امام، فرودگاه مهر آباد، نخست وزیری، ستاد مرکزی سپاه و کمیته‌های انقلاب اسلامی، پادگان ولی عصر و امام حسین (ع) و... را هدف بمباران قرار داده و با اشغال مراکز مهمی چون صدا سیما، ستاد ارتش، پادگان قصر و جمشیدیه و... عملاً حکومت را سرنگون نمایند (حسین زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۰).

۴-۹. جنگ عراق علیه ایران

غرب به محوریت آمریکا و شرق به محوریت شوروی، با توجه به نگرانی‌های خاص و ویژه‌ای که هر کدام در برخورد با انقلاب اسلامی داشتند، تنگناها، محدودیت‌ها و فشارهایی را بر این نظام تحمیل نمودند. آن‌ها در بدو امر تاکید بر عدم خصومت و یا بی طرفی با جمهوری اسلامی را سر دادند اما عملاً در همکاری و هماهنگی با رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی ۸ ساله خلاف ادعای خود را ثابت کردند. قدرت‌های بزرگ نظامی و متحدان منطقه‌ای آن‌ها با بهره گیری از ساز و کارهای مختلف به ویژه تمهیداتی جهت تضعیف تولیدات، صادرات و درآمدهای

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال دهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۷

ارزی حاصل از نفت در صدد جلوگیری از پیروزی نظامی ایران در جنگ تحمیلی و تغییر سیاست خارجی این کشور برآمدند(محمدی، ۱۳۸۹: ۳۰).

دولت انگلستان نیز با شروع جنگ ایران و عراق به طور رسمی بی طرفی خود در جنگ را اعلام کرد و رسماً اعلام نمود از فروش تسلیحات به هر دولت متخاصم، خود داری خواهد کرد اما این اظهار رسمی با واقعیت‌های عینی همخوانی نداشت، زیرا بعدها در دادگاه‌های انگلیس ثابت شد که شرکت‌های صادر کننده اسلحه در این کشور با اطلاع وزارتخانه‌های مربوطه به صدور اسلحه به عراق در طول جنگ ادامه می‌داده‌اند(امیر انتخابی، ۱۳۸۴: ۹۰).

در خصوص شوروی نیز براساس پیمان دوستی ۱۵ ساله‌ای که میان دو کشور عراق و شوروی در سال ۱۹۷۲ م. امضاء شده بود، شوروی تأمین کننده اصلی سلاح‌های عراق و همچنین فرستادن کارشناسان نظامی به این کشور بود و هیچ‌گاه این کمک‌ها را تحت الشعاع چرخش سیاست‌های بغداد قرار نداد. این کشور علاوه بر ارسال اسلحه به عراق به ارزیابی ضعف‌های ساختاری ارتش آن کشور در وضعیت دفاع و حمله، در توسعه نیروهای مسلح و طرح ریزی استراتژی‌های تهاجمی آن نیز نقش فعالی داشت. به گفته بسیاری از تحلیل‌گران کمک‌های شوروی به عراق تأثیراتی سرنوشت ساز بر روند تحولات جنگ داشت. در واقع دولت شوروی نیز به مانند ایالات متحده هیچ علاقه‌ای به پیروزی ایران در این جنگ نداشت، چرا که انقلاب ایران به همان اندازه که ضد آمریکایی بود، ضد شوروی هم بود. بنابراین وقوع این انقلاب نه تنها توازن موجود در منطقه را بر هم ریخته بود، بلکه صدور آن به عراق و جابجایی قدرت در این کشور به وسیله یک رژیم مذهبی می‌توانست عراق را از حلقه طرفداران مسکو خارج کند (صالحی، ۱۳۹۰: ۱۴۳).

از منظر ساختار نظام بین الملل تجاوز عراق به ایران علاوه بر ایجاد موازنه در منطقه و در سطح جهان می‌توانست مزایای زیر را به دنبال داشته باشد: الف) فشار سیاسی و اقتصاد ناشی از جنگ می‌توانست به فروکش کردن احساسات انقلابی مردم ایران کمک کند؛ ب) پیامدهای جنگ، ایران را متقاعد می‌کند که برای تأمین نیازهای خود به ویژه نیازهای نظامی و تسلیحاتیبه آمریکا روی بیاورد؛ ج) وقوع جنگ باعث می‌شد ایران به دلیل تحمل تلفات و خسارات اقتصادی از صدور انقلاب باز مانده و بدین ترتیب، شوروی از خطر اسلام‌گرایان در امان بماند(درویشی، ۱۳۸۰: ۵۰).

۵-۹. حمایت از گروه های تروریستی و تجزیه طلب

پس از پیروزی انقلاب در ایران مجموعه دستگاه های سیاسی، تبلیغاتی، امنیتی، حقوقی و اقتصادی غرب به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه انقلاب اسلامی بسیج شدند. از فردای پیروزی انقلاب یعنی ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ تحرکات تجزیه طلبانه آغاز گشت. اسنادی وجود دارد که نشان می دهد دولت آمریکا در ابتدای پیروزی انقلاب نسبت به پیشبرد طرح های تجزیه طلبانه در ایران به عنوان یکی از راه های تضعیف نظام جمهوری اسلامی بی تمایل نبوده است. در یکی از اسناد به دست آمده از سفارتخانه آمریکا، در تهران تمایل به استفاده از ظرفیت قومیت ها جهت سرنگونی نظام جمهوری اسلامی به خوبی بازتاب یافته است. در یکی از این اسناد که در تاریخ ۵۸/۵/۱۵ و با طبقه بندی سری منتشر شده، آمده است: اگر کردها، آذربایجانی ها، اعراب، و سایر گروه های قومی تلاش های خود را هماهنگ کنند و در جهت مشترک سرنگونی دولت کنونی با یکدیگر همکاری و از یکدیگر حمایت کنند، به عقیده ما امکان موفقیت دارند. از سوی دیگر، دولت آمریکا که در سال ۱۳۵۸ تلاش بسیاری برای حمایت از طرح های تجزیه طلبانه گروهک های مختلف به عمل آورده بود، با توجه به وضعیت نه چندان مساعد کشور در آن مقطع، آن چنان به موفقیت این طرح ها دل بسته بود که یکی از سناتورهای آمریکایی به نام جکسون در مصاحبه ای در اکتبر ۱۹۷۹ (مهر ۱۳۵۸) اظهار می دارد که: «انقلاب محکوم به شکست است و آن کشور در استانه تجزیه به قطعات کوچک است». علاوه بر این مسأله، حمایت آمریکا از گروه های تروریستی نظیر منافقین و گروه هایی نظیر جندالله بر ضد جمهوری اسلامی بر کسی پوشیده نیست (گوهری مقدم و جاودانی مقدم، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۴).

۶-۹. مسأله هسته ای ایران

یکی دیگر از مسائل که فضای امنیتی خاورمیانه را دستخوش تغییر و تحولات امنیتی نموده است، مسأله هسته ای ایران است. در این راستا، آمریکا و غرب با تسلیحاتی نشان دادن فعالیت صلح آمیز ایران سعی کرده اند که فضای امنیتی را متشنج نمایند و از این طریق، منافع خود و اسرائیل را با روی آوردن کشورهای منطقه به همگرایی منطقه ای تأمین نماید. صرف نظر از صدق یا کذب بودن این ادعا، آنچه که در عمل اتفاق افتاده این است که کشورهای منطقه از پروژه ایران هراسی تأثیر یافته و برنامه های استراتژیک خود را در این راستا تنظیم و تدوین نموده اند. شاهد این ادعا، ملیتاریزه شدن کشورهای عربی و خریدهای کلان تسلیحاتی کشورهای مثل عربستان، بحرین، امارات و بحرین و همچنین ورود ناوهای جنگی غرب به

منطقه می‌باشد. برنامه هسته‌ای ایران در سال ۱۳۵۳ با تأسیس سازمان انرژی اتمی و امضای قرار داد ساخت نیرو گاه اتمی بوشهر شکل جدی به خود گرفت. ایران در سال ۱۹۵۸ م. به عضویت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۱ در آمده بود و در سال ۱۹۷۰ م. در مجلس شورای ملی آن را تصویب کرده بود. در سال ۲۰۰۲ م سازمان منافقین، در حال ساخت بودن دو مرکز جدید هسته‌ای ایران که طبق پادمان، ایران وظیفه‌ای برای افشای آن‌ها نداشت، فاش کرد که پس از آن مسأله هسته‌ای ایران در دستور کار جدی آژانس و شورای امنیت سازمان ملل قرار گرفت و به بروز بحران‌هایی در ارتباط ایران و جامعه بین‌المللی منجر شد. براساس توافق نامه‌های بروکسل و پاریس در فوریه و نوامبر ۲۰۰۴ م. ایران پذیرفت که ساخت و آزمایش سانتریفیوژهای مربوط به غنی سازی اورانیوم و همچنین غنی سازی و بازفروری و فعالیت‌های مربوط به جدا سازی پلوتونیوم را متوقف کند که البته تعهد ایران براساس قرار داد پاریس داوطلبانه و در جهت اعتماد سازی بود و در عرض اتحادیه اروپا پذیرفت که سعی در پذیرش ایران در سازمان تجارت جهانی نماید. دولت نهم اعلام کرد که تعلیق داوطلبانه به پایان رسیده و با فک پلمپ، فعالیت UCF اصفهان را تحت نظارت آژانس ادامه می‌دهد. بدین ترتیب، دور جدید واکنش‌های جامعه جهانی و خصوصاً غرب علیه فعالیت‌های ایران و انجام مذاکرات شروع شد. شایان ذکر است که در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ مذاکرات هسته‌ای بین ایران و سه کشور اروپایی یعنی آلمان، فرانسه و انگلستان صورت گیرد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۳: ۸۰). اما از سال ۲۰۰۶ م سه کشور چین، روسیه و آمریکا به عنوان سه عضو اصلی شورای امنیت به آن پیوستند و بدین شکل گروه موسوم به ۵+۱ یعنی پنج کشور عضو دائم شورای امنیت و آلمان شکل گرفت. این گروه، مذاکرات خود را با ایران در مورد هسته‌ای در قالب استراتژی مسیر دوگانه تعریف کرد. منظور از مسیر دوم قعطنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل است که عمده موضوعات مطروحه در آن اعمال تحریم‌ها علیه ایران است که تاکنون ۴ قعطنامه به شماره‌های ۱۷۳۷، ۱۸۰۳، ۱۷۴۷ و ۱۹۲۹ در این زمینه تصویب شده که در زمینه‌های اقتصادی، علمی، سیاسی و فروش سلاح و مهمات به ایران است و بر اساس ماده ۴۱ از فصل ۷ منشور سازمان ملل اعمال و تصویب شده‌اند. سرگئی لاوروف^۲، وزیر خارجه روسیه در ۱۲ جولای ۲۰۱۱ م. در

1. IAEA
2. Sergey Lavrov

تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر بیگانه ستیزی ایرانیان

خلال یک گفتگو در واشنگتن «نقشه راهی» را به منظور استفاده از بسته تشویقی و پیشنهادی ۵+۱ به صورت علی اعلام که منجر به نتیجه‌ی مثبتی نشد (فردا نیوز، ۱۹ خرداد ۱۳۹۱).

اسرائیل و دولتمردان آمریکا بر این اعتقاد هستند که در صورت دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، اسرائیل اولین هدف حمله ایران خواهد بود. به همین جهت، صدمه زدن و به تأخیر انداختن برنامه هسته‌ای ایران از روش‌های مختلفی مثل قتل دانشمندان هسته‌ای ایران، جاسوس‌های دو جانبه و حملات سایبری استفاده کرده است.

در روز ۱۲ خرداد ۱۳۹۱، روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز در گزارشی فاش کرد که باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا در ماه‌های اول ریاست جمهوری خود، به طور مخفیانه دستوری صادر کرده تا حملات سایبری با وپروس رایانه‌ای «استاکس نت»^۱ علیه ایران امکان پذیر باشد. البته این پروژه از دوران حکومت بوش با رمز مسابقات المپیک شروع شده است. در این میان وزیر دفاع انگلیس و کانادا از برنامه‌های دولت اوباما برای حملات سایبری علیه ایران حمایت کرده‌اند و آن را روشی متمدنانه برای مقابله با ایران می دانستند (روزنامه اعتماد ملی، ۱۶ خرداد ۱۳۹۱). در حال حاضر ایالات متحده با پافشاری و القای این مطلب که ایران تهدید ملموس در حوزه خلیج فارس به شمار می‌رود، چند هدف اساسی دیگر را دنبال می‌کند:

- مشروع دادن حضور نظامی خود در منطقه؛

- اعمال فشار بر ایران برای ایجاد تعدیل و دگرگونی در استراتژی سیاست خارجی تهران؛

- باج خواهی از اروپا و ژاپن در ازای نقش ژاندارمی بر حفظ منابع نفت (بختیار پور، ۱۳۸۹: ۴).

۹-۷. حمایت از اعراب در تغییر نام خلیج فارس

خلیج فارس در طول حیات خود و در طول تاریخ و حتی در زیر نفوذ یونانیان، اعراب، پرتغالی‌ها و در طول حیات تاریخ نام خود را حفظ کرده است. ولی در چند دهه اخیر این ساز و آواز از سوی برخی دولت‌های عربی که دلیل آن حمایت‌های کشورهای غربی می‌باشد شنیده می‌شود. نظیر این اقدام اخیرشان در تطمیع مؤسسه نشنال ژئوگرافی آمریکا در استفاده از نام جعلی و دروغین خلیج عربی و جعل نام جزایر ایرانی در نقشه‌های خود (پیشه ور، ۱۳۸۳: ۲۹۰). درباره نام خلیج فارس، تا اوایل دهه ۶۰ میلادی هیچ گونه بحث و جدلی در میان نبوده و در تمام منابع اروپایی، آسیایی و آمریکایی و دایرة المعارف‌ها و نقشه‌های جغرافیایی این کشورها نام خلیج فارس در تمامی زبان‌ها به همین نام ذکر شده است. اصطلاح «خلیج ...» برای نخستین

1. Stuxnet

بار از طرف یکی از نمایندگان سیاسی استعمار پیر انگلیس در خلیج فارس به نام سرچارلز بلگریو عنوان شد، که بیش از سی سال نماینده سیاسی و کارگذار دولت انگلستان در خلیج فارس بوده است، که در سال ۱۹۶۱ کتابی درباره سواحل جنوبی خلیج فارس منتشر کرد و در آن برای اولین بار نوشت که «عرب‌ها ترجیح می‌دهند خلیج فارس» را خلیج عربی بنامند، در حالی که در طول تاریخ «خلیج عرب» به دریای سرخ و احمر اطلاق می‌شده است. اما پس از بدعت گذاری جدید این نماینده استعمار در منطقه برخی رهبران افراطی، قوم‌گرای کشورهای عربی همچون جمال عبدالناصر و یا صدام حسین آن را دستاویز یک بدعت‌گذاری جدید در تاریخ منطقه کردند. «ژان ژاک پرینی» نویسنده کتاب خلیج فارس، اعتراف می‌کند ملل و طوایف بسیاری بر کرانه‌های خلیج فارس استیلاء یافته و فرمان‌روایی کرده‌اند و روزگارش سپری شده و منقرض شده‌اند. تنها قوم پارس است که با هوش و درایت خود همچنان پابرجا زیسته و میراث حاکمیت خود را تاکنون نگهداری کرده است (مجتهدی، ۱۳۹۱: ۲).

نتیجه‌گیری

از مزایای مهم تحلیل گفتمان این است که برای هر موقعیت و هر موضوعی، روشی کاملاً کاربردی است، انقلاب اسلامی به دلایل مختلف مطلوب و مورد حمایت غرب و شرق نبوده، انقلاب اسلامی با گفتمان نه شرقی - نه غربی سعی در گریز چارچوب ساختار نظام دوقطبی و ایجاد راه سومی برای حفظ انقلاب، ایجاد استقلال و حفظ تمامیت ارضی دانسته است. لذا تغییر شکل و یا محتوا از اهداف اساسی و خط مشی کوتاه مدت و بلند مدت آن از ابتدا تاکنون بوده است. در طول سه دهه اخیر شکست‌های زیادی را در مقابله با ایران در اشکال مختلف تجربه کرده است، ولی هم‌چنان به تلاش برای تغییر رژیم و یا حداقل تغییر رفتار ادامه می‌دهد. روندهایی که منجر به تداوم تحریم اقتصادی و تکنولوژیک جمهوری اسلامی ایران گردید، برای اهداف و منافع ملی ایران و ایالات متحده، مخاطراتی را به وجود آورده است. در این روند، جدال‌های دو کشور در وضعیت پایان‌ناپذیری تداوم یافت و بدبینی‌های متقابل به حداکثر خود ارتقا پیدا نمود. هر یک از دو کشور به دلیل جدال‌های ایجاد شده، به رفتارهای واکنشی و الگوهای انتقامی روی آوردند. ابتکارات محیطی و بین‌المللی برای کاهش مبادلات با شکل جدیدی از تعارض خنثی گردید. ایدئولوژی انقلاب اسلامی بیانگر ارائه طرح و راه جدید به ملت‌های استعمار زده جهان برای کسب استقلال و رهایی و ساختن جامعه آزاد و توسعه یافته

تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر بیگانه ستیزی ایرانیان

است. در این میان کسب استقلال که از عناصر تشکیل دهنده ایدئولوژی انقلاب اسلامی است، یک پیش شرط لازم برای دست یابی به جامعه آرمانی مورد توجه انقلاب اسلامی است. تحولات تاریخ معاصر جهان نشان داده است که انقلاب‌هایی که پس از پیروزی راه مامشات با دولت‌های استعمارگر بدون عزم جدی برای جلوگیری از نفوذ دوباره آن‌ها در پیش گرفته‌اند سرانجام استقلال و دست یابی به توسعه را فدا کرده‌اند. به طور کلی، ایدئولوژی انقلاب اسلامی از نظر مبنا یک ایدئولوژی درونزا و دارای اصالت است فرهنگی و از نظر همراهان بسیار فراگیر و در برگیرنده بیشتر نزدیک به همه مرم بوده است استقلال از قدرتهای غربی و شرقی بخشی از ایدئولوژی انقلاب اسلامی را تشکیل داده و ملت ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی از این دستاورد پاسداری کرده است. از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پرچم مخالفت جدی با مطامع استعماری غرب به رهبری آمریکا در دست ایران اسلامی قرار داشته و نتایج این امر، خود را در ضعف روز افزون غرب - چه به دلیل افزایش آگاهی مردم جهان از مطامع استعماری قدرتهای غربی و انعکاس این امر در ایجاد شکاف درهژمونی و سلطه فکری جهانی این قدرتها و چه به دلیل آشکار شدن نتایج سیاست‌های نادرست این دولت‌ها از قبیل اشغال سرزمین‌های دیگر با عناوینی مانند مبارزه با تروریسم - نشان داده است. فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به عوامل ایجابی و سازندهای همچون تجربه تاریخی، موقعیت جغرافیایی ویژه، نقش اسلام شیعی، تجربه جنگ عراق و پذیرش واقعیات بین المللی، طی چهار دهه گذشته، به تکامل و پیچیدگی خاصی دست یافته است. با توجه به این عوامل سازنده، فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی بر اصولی همچون غرب ستیزی، ابهام، عدم اعتماد، تنهایی راهبردی و تلاش برای ایجاد بازدارندگی تأکید دارد.

آگاهی سلطه گونه از بیگانه که همان بازتولید آگاهی اندوه بار از بیگانه در جهان ادراکی ایرانیان و حیات فرهنگی گفتمانی آنان بوده، منجر به بازتعریف هویت گفتمانی ضد سلطه در گفتمان انقلاب اسلامی ایران شده است. در این بین، تصویر آمریکا - غرب به عنوان ابژه سلطه، مهم‌ترین ویژگی بازنمایی شده در این مدل از هویت گفتمانی بوده است. چنین تصویری از بیگانه در نظم گفتاری سوژه‌ی انقلابی، به دال نفی وضعیت موجود در نظام بین الملل و طرد نهادهای بین المللی آن معنا داده و چرخش گفتمانی به سوی حاشیه‌های نظام بین الملل و برجسته کردن دال‌های حمایت از مستضعفان و مظلومان جهان حمایت از نهضت‌های رهایی بخش، حکومت جهانی مستضعفان و دال صدور انقلاب را معنا داده است. کارکرد گفتمانی

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال دهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۷

یک چنین چرخشی، اسارت زدایی از جهان سوژه‌های انقلابی بوده است؛ احساسی که ایرانیان، جهان خویش را در آن می‌یافتند و ادراک می‌کردند؛ احساس اسارتی که ریشه در ناخودآگاه جمعی ایرانیان داشت و همراه با احساس رنج آوری بود که در تصویر آمریکا - غرب به منزله ابژه سلطه بازنمایی شده بود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- امیر انتخابی، شهروند (۱۳۸۴). «فرصت‌ها و تهدیدات در امنیت ملی ایران با تأکید بر محور انگلستان». **فصلنامه راهبرد**، شماره ۳۷، پاییز، صص ۱۲۷-۷۲.
- اجیلی، هادی (۱۳۸۶). «مفهوم امنیت در اقتصاد سیاسی بین الملل (مطالعه موردی فضای امنیتی میان جمهوری اسلامی ایران در دولت نهم و ایالات متحده آمریکا)»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، سال چهارم، شماره ششم، تابستان، صص ۲۱۱-۱۹۱.
- بختیار پور، علی (۱۳۸۹). «بسط ژئوپلیتیک ایران در خاورمیانه عربی با ترسیم مدل بسط در مدیریتانه شرقی»، **فصلنامه جغرافیایی سرزمین**، سال هفتم شماره ۲۸، پاییز، صص ۲۰-۱.
- بهروزی فر، مرتضی (۱۳۸۳). «اثر تحریم یکجانبه آمریکا بر اقتصاد بازرگانی ایالات متحده و بازارهای جهانی انرژی»، **فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی**، شماره ۳۳، زمستان، صص ۲۳۹-۱۹۵.
- بهروزی فر، مرتضی و کوبی، سامیه (۱۳۸۵). «تحریم‌های ایالات متحده آزمودن آزموده» **اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره ۲۳۲-۲۳۱، پاییز و زمستان، صص ۱۲۲-۱۱۳.
- پیشه ور، علیرضا (۱۳۸۳). «ایران و ترتیبات امنیتی جدید در منطقه خلیج فارس»، **مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.
- ترابی، قاسم و رضایی، علیرضا (۱۳۹۰). «فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌های ایجاد، شاخص‌های اساسی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال چهاردهم، شماره چهارم، زمستان، صص ۱۶۲-۱۳۵.
- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۳). «چارچوبی نظری برای تحلیل مذاکرات هسته‌ای ایران و سه قدرت اروپایی»، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۶، بهار و تابستان.
- حسین زاده، ابوالحسن (۱۳۸۷). «الگوی مدیریت بحران سیاسی در سیره امام خمینی (ره) (بررسی تسخیر لانه جاسوسی)»، **فصلنامه دین و سیاست**، شماره ۱۷ و ۱۸، پاییز و زمستان، صص ۱۷۱-۱۵۲.

تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر بیگانه ستیزی ایرانیان

- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۷). **روش شناسی علوم سیاسی**، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- خواجه سروی، غلامرضا، رحمنی، مریم (۱۳۹۲). «انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در لبنان»، **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، سال ۲، شماره ۶، پاییز، صص ۱۴۸-۱۲۷.
- دارا، جلیل، کرمی، مصطفی (۱۳۹۲). «آزاد اندیشی در گفتمان انقلاب اسلامی»، **فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال دوم، شماره ۶، بهار، صص ۹۱-۱۲۰.
- دانایی فرد، حسن، نوری، علی (۱۳۹۰). «گفتمانی بر تحلیل گفتمان در مطالعات سازمانی: تأملی بر مبانی نظری و اسلوب اجرا»، **فصلنامه روش شناسی علوم انسانی**، سال ۱۷، شماره ۶۹، زمستان، صص ۱۹۲-۱۶۳.
- درویشی، فرهاد (۱۳۸۰). **ریشه‌های تهاجم عراق به ایران**، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال الدین (۱۳۹۰). «فناوری‌های قدرت در جنگ نرم»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال چهاردهم، شماره اول، بهار، صص ۳۰-۵.
- روزنامه اعتماد ملی (۱۳۹۱). «حمله متمدنانه غرب علیه ایران؛ حمایت غرب از حملات سایبری علیه ایران» ۱۶ خرداد، تهران: روزنامه اعتماد ملی.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۹۱). **قدرت، گفتمان و زبان؛ سازو کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی**، تهران: نشر نی.
- صادقی، شمس الدین (۱۳۸۸). «درآمدی بر علل بیگانه هراسی و بیگانه ستیزی در فرهنگ سیاسی ایران معاصر»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، سال چهارم، شماره چهارم، پاییز، صص ۱۷۴-۱۴۷.
- صالحی، حمید (۱۳۹۰). «بر قدرت‌ها، نظام بین الملل و جنگ عراق علیه ایران»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار، صص ۱۵۲-۱۳۵.
- صدیقی، بهرنگ و نظری، حسن (۱۳۹۰). «عاملیت انسانی و گفتمان انقلاب اسلامی ایران (تبیین جامعه شناختی عاملیت انسانی و تحولات معنایی آن از خرداد ۷۶ تا خرداد ۸۹)»، **فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی**، سال چهارم، شماره ۱۲، پاییز، صص ۱۴۱-۱۱۷.
- عزیز نژاد، صمد و سید نورانی، محمد رضا (۱۳۸۸). «بررسی آثار تحریم بر اقتصاد ایران با تأکید بر تجارت خارجی»، **فصلنامه مجلس و پژوهش**، سال ۱۶، شماره ۶۱، بهار و تابستان، صص ۲۱۰-۱۶۵.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۳). «گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی»، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۱۴، پاییز، صص ۸۱-۱۰۸.

- فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال دهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۷
- فاضلی، نعمت اله و کردونی، روزبه (۱۳۸۷). «رفاه و گفتمان سازندگی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۱، تابستان، صص ۱۶۲-۱۲۵.
- فلاحی، سارا (۱۳۹۴). «شبکه‌های ماهواره‌ای و تلاش برای شکست گفتمان انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۱، تابستان، صص ۱۰۸-۸۷.
- فیروزی، محرمعلی (۱۳۸۸). «چالش‌ها و بحران‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه حصون، شماره ۱۹، بهار، صص ۸۴-۷۰.
- کردونی، روزبه (۱۳۸۸). «مقایسه جایگاه رفاه در گفتمان دولت سازندگی و اصلاحات»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۶، زمستان، صص ۱۱۴-۶۵.
- کسرایی، محمد سالار و پوزش شیرازی، علی (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان جنبش دانشجویی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با استفاده از نظریات لاکلا و موفه»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۴۶، پاییز، صص ۲۴۵-۲۲۷.
- گوهری مقدم، ابوزر و جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۱). «جایگاه سیاست‌های حمایت گرایانه آمریکا در جنگ نرم علیه ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۳، تابستان، صص ۲۸-۱.
- مجتهدی، سیدعباس (۱۳۹۱). «دفاع همه‌جانبه از نام خلیج فارس»، مرکز مطالعات خلیج فارس، چهارشنبه ۱۱ مرداد.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.
- محمدی، یدالله (۱۳۸۹). نفت و سیاست خارجی ایران در دهه اول انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۶۷)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مقدمی، محمد (۱۳۹۰). «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، شماره ۲، زمستان، صص ۱۲۴-۹۱.
- مک دائل، دایان (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه‌ی حسینعلی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۹). «ایدئولوژی و رهبری و تأثیر آن بر پیروزی سریع، ثبات پایدار و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۲، تابستان، صص ۷۰-۴۳.
- نوازانی، بهرام (۱۳۸۴). «کاربرد ابزار تحریم ایالات متحده در برخورد با جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال نوزدهم، شماره ۲، تابستان، صص ۴۲۶-۳۸۱.

تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر بیگانه ستیزی ایرانیان

واعظی، حسن (۱۳۷۹). ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران، تهران: انتشارات سروش.

هزار جریبی، جعفر و صفری شالی، رضا (۱۳۹۲). «گفتمان عدالت در لوایح برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۲، شماره ۶۱، پاییز، صص ۴۴-۱.

هنری، یدالله، آزرمی، علی (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل فرایند استقرار و انسجام یابی گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۸، پاییز، صص ۱۱۸-۹۵.

یاوری، کاظم، محسنی، رضا (۱۳۸۸). «آثار تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی» فصلنامه مجلس و پژوهش، سال ۱۶، شماره ۶۱، بهار و تابستان، صص ۵۳-۹.

(ب) منابع انگلیسی

Crow, M. (2005). "Discourse Analysis: Towards an Understanding of its Place in Nursing", *Journal of Advanced Nursing*, 51 (1):55-63.

Gee, J.P. (1999). *An Introduction to Discourse Analysis: Theory Method*, New York, And London: Routledge

Stanley, Willis (2006). *The Strategic Culture of the Islamic Republic of Iran*, at: www.fas.org/irp/agency/dod/dtra/iran.pdf.

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال دهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۷